

ماجرای عشق و عاشقی میدون

مازندگی می‌کنیم یابازی کامپیوتری؟



پوریا عالمی

- زندگی ما ایرانی‌ها شبیه بازی‌های کامپیوتری است. چطور؟

این‌طوری که امروز کف خیابان وسط پایتخت می‌ریزد و ایرانی‌ها باید سریع بپرند بالا که نیفتند توی سوراخ و نوسوند، بعد همین‌طوری روند که دارند می‌روند

سر خیابان، چندتا ون می‌بینند. در اینجا باید با گرفتن همه دکمه‌ها، سریع بیچپید توی اولین کوچه‌ای که می‌بینید تا نخورید به ون. بعد شما ممکن است در طول بازی از یک بازیکن دیگر خوشتان بیاید و بخواهید او را به‌عنوان یاور انتخاب کنید که باختید، حالا خیال کنیم شما صبر کردید و دوباره می‌توانید به بازی و خیابان برگردید. طبیعی است که شما دوتا دیگر نمی‌توانید به‌عنوان یاور با هم در خیابان حرکت کنید. برای همین شما می‌روید ساختمان پلاسکو که پیکو اول می‌سوزد بعد ریزش می‌کند و از دسترس خارج می‌شوید.



در این حالت، هم شما و هم یاورتان کیم اور می‌شوید و اصولا باید کنسول بازی را عوض کنید. حالا فرض کنید شما جان سالم به‌در ببرید و برگردید به بازی، مثلاً می‌خواهید بروید شمال، عشق‌وحال که توی آب غرق می‌شوید، چون تعداد نجات‌غریق در ساحل شمال مثلاً در هرچندکیلومتر یک نفر است که اگر باشد این تعداد از استاندارد جهانی حضور نجات‌غریق در ساحل، صددرصد کمتر است. پس ممکن است شما کیم اور شوید. ممکن است از دریا نجات پیدا کنید و بروید جنگل که باختید، چون جنگل‌ها تبدیل به جاده یا تبدیل به زمین‌های مسکونی شده و توش ویلا ساخته‌اند. به همین‌دلیل شاید دلتان بخواد سوار قطار بشوید که توی سمنان از ریل خارج می‌شوید و باقی بازی را باید دنبال قطار بدوید. اصلاً فرض کنید شما از تهران خسته شوید و به سیستان‌و بلوچستان بروید تا دور از دغدغه شهر در شهرهایی که امکانات شهری ندارند زندگی کنید که باز هم‌چون سیل می‌آید، شما را آب می‌برد. بعد بروید خوزستان و اگر توانستید در گردوغبار آتجا نفس بکشید، می‌روید مرحله بعد بازی که عمراً. امکان ندارد. دراین‌میان که شما دارید جان می‌دهید و می‌جانتان کم می‌شود، چندتا آقا‌زاده می‌بینید که با شما بازی را شروع می‌کنند و نصف شما سن دارند و پارشان را می‌بندند که همین هم دچار افسردگی شما می‌شود.

در پایان شما تصمیم می‌گیرید فرار مغزها کنید و به آمریکا مهاجرت کنید که باز هم باختید. چون از شانس شما ترامپ آتجا شده رئیس‌جمهور و

به‌عنوان غول مرحله آخر، جلو شما یک دیوار بلند بلند بلند کشیده است.

وسیت

سوفیقا... من آن‌قدر افسرده هستم که حالت ازدواج پیدا کرده‌ام. خیلی مراقب خودت باش. چون آدمی که به آخر خط برسد، با خودکشی می‌کند یا ازدواج! و من تصمیم گرفتم با تو ازدواج کنم. آیا وکیلیم؟ قربان تو؛ عاشق خسته تو؛ میدون دوم

روزنامه شتر

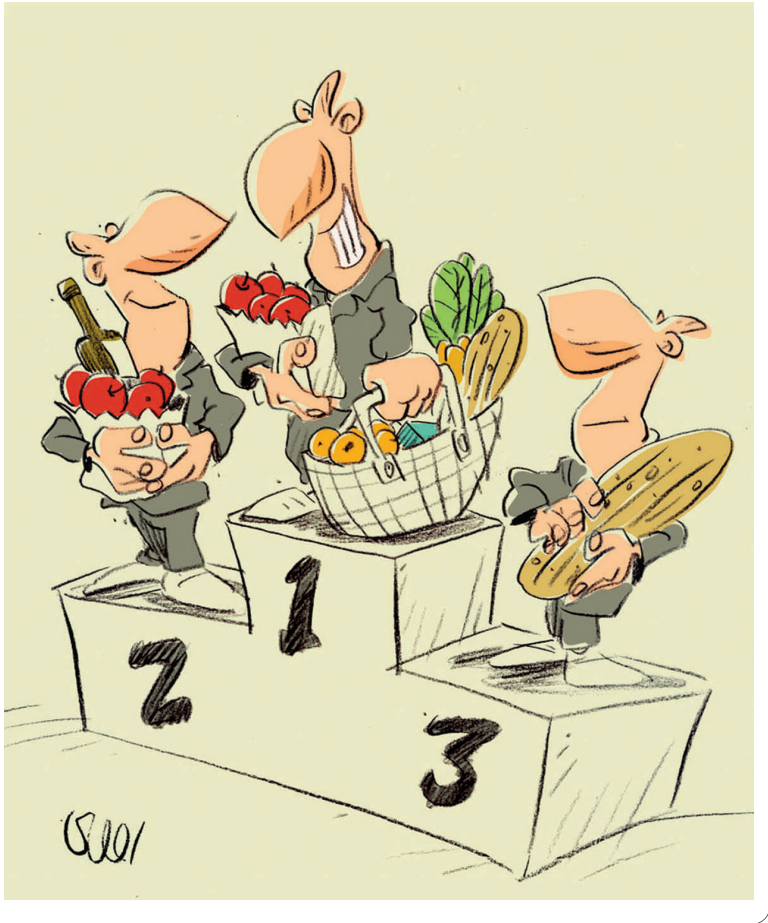
www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ • ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۹ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۸ • اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۰۶

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



همین‌حوالی

ماو چالش روزنامه نگاری در عصر ترامپ

گیسو فغفوری: خیلی زود هراس‌ها از تصمیمات نابخردانه ترامپ به واقعیت پیوست؛ در کمتر از یک هفته ترامپ موقعیت ریاست‌جمهوری را تغییر داد. او با انجام سیاست‌هایی که عده‌ای آن را فقط وعده انتخاباتی می‌دانستند، کاری کرد که بسیاری در تپ‌وتاب و وحشت قرار بگیرند. این اتفاق نه‌تنها برای مکزیک رخ داد که اکنون برای ما ایرانیان و شش کشور دیگر نیز رخ داده است. او نام دستوری را که مانع ورود تورپیست‌ها و صاحبان ویزا به آمریکا می‌شود، «منع ورود تورپیست‌ها» گذاشته است. هدف او مسلمانان و مهاجران است. از ۲۱ ژانویه فردای مراسم تحلیف

او -که سخنگوی کاخ سفید رسانه‌های آمریکا را به دروغ‌گویی متهم کرد و آنان را قلب‌کننده واقعیت میزان حاضران در مراسم تحلیف دانست- جنگی آشکارتر از قبل با روزنامه‌نگاران

آغاز شد. در جنگی که ترامپ پیش‌تر اعلام کرده بود

اعتقادی به رسانه‌های رسمی ندارد و از طریق توییتر خودش را صاحب رسانه دانسته بود. در جنگی که یکی از مقامات ارشد تیم ترامپ به خبرنگاران اعلام کرده بود «هاتنان را ببندید»؛ در جنگی که یکی دیگر از سخنگویان ترامپ از alternative facts سخن گفته و به همین دلیل و به سرعت جمع زیادی از روزنامه‌نگاران دلائل خبرهای خود را مطرح می‌کنند. اما فراتر از تمام اتفاقاتی که با دستورهای ترامپ در حال رخ‌دادن است، این روزها و با دستورات ریاست‌جمهوری ترامپ برای ما روزنامه‌نگاران ایرانی فرصتی دیگر غیر از غم و غصه

و روایت بدبختی‌های ناشی از دستورات او فراهم شده است. فرصتی برای یادگیری واکنش‌ها و نحوه عملکرد روزنامه‌نگاران در دنیای آزاد در مواجهه با شخصیتی نژادپرست و ضدمهاجران. هرچند آزادی بیان برای رسانه‌های جهان آن‌قدر گسترده است تا بتوانند به این مسائل از هر نظری اعتراض کنند، عکسی که تایلم از او بر جلدش قرار داده است، امکان استفاده در روزنامه‌های ایران را ندارد. همان‌طور



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

رفتار اخلاقی از یک‌سو به خصایل اخلاقی فرد و از سوی دیگر به موقعیت‌ها، تجارب و تصورات اجتماعی ارتباط دارد. رفتار مسئولانه آتش‌نشانان ایرانی در مواجهه با مسئولیت اخلاقی‌ای که ناگهان پیش‌پایشان سبز شد، نشان از حضور زمینه‌های اخلاقی قوی در جامعه ما دارد؛ زمینه‌هایی که سال‌هاست بروز چندان‌ی از آن را شاهد نبودیم و به‌همین‌دلیل آتش پلاسکو طلیعه‌ای نویدبخش است از ترجیح منافع جمع بر منافع خویش و وظیفه‌شناسی تا پای مرگ، آن‌هم برای رسالتی کاملاً زمینی و این‌جهانی! درحالی‌که آتش‌نشانان مثل دیگر زحمت‌کشان درگیر مشکلات متعدد زندگی بودند، درحالی‌که در محیطی بالیدند که آشکارا همه در پی انواع مختلف تظاهر و منافع خصوصی خود هستند، درحالی‌که کمترین امکانات فنی را داشتند و می‌دانستند که به شکلی مدرن و روزآمد هم مدیریت نمی‌شوند، در مواجهه با مصیبتی که جان و بیش از آن دارایی گروهی

یاد

از قله حسین ولایت‌دمی‌بتاب



حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین برازنده

- این سروده چکامه‌ای است در سوگ فراف استاد و پیر روشن‌ضمیرم، عارف کامل و سالک واصل، حضرت آقا علی حاج محمداسماعیل دولابی، قدس‌سره، قدوسی، که به دوستان‌اران ایشان تقدیم می‌شود.



سلطان اولیا که بُدی نای معرفت
فارغ شد از نوای تمنای معرفت
پرواز کرد تا بر مولای خود علی
دولاب‌وار مستِ تَوَای معرفت
سینای سینه‌اش، به مُثُل کوه طور بود
تایان ز نور چرخ شده مجلای معرفت
سَرش سرشته بود به عشق حسین و زان
اشکش روان ز چشم گهرزای معرفت
ای باغیان خُسن چه دیدی ز سَر غیب
شستی تو دست از سر گل‌های معرفت
زندان تن شکستی و در جَنّت حضور
گشتی ز طائران شکرخای معرفت
چون نغمه‌خوان قله‌های توحید و عشق و شور
مستانه بر زدی سوی طوبای معرفت
بودی ز ساقیان کوثر ناب ولای دوست
هم باده نوش از خُم و صُهَای معرفت
مَسْتند در هوای تو ای پیر می‌فروش
باران دلشکسته ز سودای معرفت
بر گوش هوش تو چه رسید از سروش حق
پنهان شدی ز دیده جو عَنقَای معرفت
برخیز دستگیر شو تو ای خضر رهنما
باران تشنه بر لب دریای معرفت
از قله حصین ولایت دمی بتاب
شوری به‌پانما تو ز گرمای معرفت
از آپ حکمتی که به قلب سلیم توست
آبی بده دوباره به سیمای معرفت
جلوه جمال تو شد ای دلیل راه
این جان مُرده عاشق و شیدای معرفت
بس کن (صفائیا) و بچین دامن سخن
در پیشگاه طوطی گویای معرفت

۱۴ سال در فراق عبد‌صالح خدا حاج‌محمداسماعیل دولابی به‌پاس هستی بهشت‌گونه‌اش

عسل عباسیان: خداوند در هر دورانی، زمین را با نور اولیایی روشن می‌کند تا دیگر آدمیان و موجودات، از دست پرمحبت او، با معصومان آشنا و از سرچشمه محبت و معرفت آنان بهره‌مند شوند. یکی از پیران صاحب‌ل این زمانه، مرحوم حاج محمداسماعیل دولابی بودند که همواره بر محبت و مهربانی تأکید داشتند و سال‌ها از وجود پرمهرشان، نوری به سراسر عالم تابیده شد. خدا را شاکریم که ما را با چنین بزرگمردی معاصر کرد تا از ایشان رسم مهربانی و محبت فراگیریم؛ مردی که در قریب یک قرن عمر بابرکتشان، جز از حضرت دوست نگفتند، ثمره کلام این پیر صاحب‌دل، هم‌اکنون در کتب «طوبای محبت» گردآوری شده و در دسترس جان‌های شیفته است. در چهاردهمین سالگرد وفاتشان، آرزویم‌نیم روح بلندمرتبه ایشان قرین رحمت حق و دعاگوی اهل زمین و دوستدارانشان باشد.

آکادمی

پلاسکو و مسئولیت اخلاقی

تمام وجود خود گذشتند و دشت‌هایی در مرز کشتزار از خودگذشتگی شدند! وقتی جنگ و منازعات حداقل در ظاهر خاموش شد، البته که خاک میهن به قیمت خون‌های جوان حفظ شده بود، اما نه‌تنها از آن همه آرمان خبری نبود، بلکه آرمان‌ها هرچه دورترودورتر رفته بودند. خلا اخلاقی‌ای که به دنبال آمد، زمانی بود برای یک افراط دیگر! این‌بار نه در فداکاری که در منفعت‌طلبی و سودجویی و زدوبند و بسازوبفروش و بیندازوبسرو! حالا با جان‌فشانی آتش‌نشانان جوان معلوم می‌شود که روحیه زندگی‌کردن و مردن برای دیگران نه‌تنها هیچ‌گاه در میان ما نمرده بوده، بلکه این‌بار در وجهی پخته‌تر و بالغ‌تر سر برآورده است. گویا این‌بار ما داریم شکوه و عظمت را در کاروبار روزانه خود درمی‌یابیم. دیگر با تحقیر کاروبار روزانه‌مان مثل ساخت یک ساختمان، درمان کتکت بیماران یا تدریس الفبا به خانه‌های مخفی آرزوهای بزرگ پناه نمی‌بریم! و چون ابوسعید بزرگ معجزه را بار دیگر در سربازار می‌جویم، نه در پرواز خرنده و شناکردن پرنده! آیا طلیعه‌ای را که از خاکستر پلاسکو رخ نمود در سایر ادارات و مطب‌ها و مغازه‌هایمان هم در آینده مشاهده خواهیم کرد؟

کافه نظر

بعداز پلاسکو

سعید برآبادی: چندین پیشنهاد برای بزرگداشت مقام شهدای آتش‌نشان حادثه پلاسکو و نوسازی این ساختمان تاریخی مطرح شده است. گروهی معتقدند باید نام چهارراه استانبول را به «شهدای آتش‌نشان» تغییر داد و گروهی دیگر می‌گویند علاوه بر این موضوع باید به‌جای ویرانه پلاسکو، بوستانی یادمان‌گونه بنا کرد. کدام پیشنهاد بهتر است؟ کدام گزینه می‌تواند ساختمان تازه را به بنایی به‌یادماندنی بدل کند و در ذهن و دل شهروندان تهران جا باز کند؟

سیدمحمد بهشتی ▶ رئیس کمیته ملی ایکوم ایران

در برابر پیشنهادهایی که برای یادمان‌سازی پلاسکو مطرح می‌شود، نباید عجله کرد. تا پیش از رخ‌دادن این حادثه، پلاسکو نقطه‌ای بود در شهر تهران با هویتی مستقل، به‌طوری‌که می‌توانست به‌عنوان یک نشانه شهر، در آدرس‌ها قرار بگیرد. این ساختمان دلالت‌های معنایی خاص خود

را داشت و حالا با توجه به اتفاقی که افتاده، پلاسکو دیگر یک نقطه جدید است بر نقشه تهران و دلالت‌های تازه‌ای ایجاد کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد که اجرای هرگونه طرح پیشنهادی در این مکان نیازمند ارجاع به دلالت‌های معنایی تازه آن است و طبعاً رسیدن به چنین موضوعی نیازمند زمان. ممکن است گروهی معتقد به ساختن یک برج تازه شبیه به برج قبلی باشند تا حقوق خصوصی (یعنی رابطه مالک و مستأجری) در آن رعایت شود، اما باید به وجه حقوق عمومی این نقطه شهری هم توجه شود. پس از حادثه پلاسکو، این ساختمان دارای یک وجه سمبلیک و نمایندین شده و حق عمومی تازه‌ای در شهر ایجاد کرده که نباید از آن غافل شد. پس هرگونه تصمیمی برای جایگزین‌کردن بنا یا محوطه‌ای به‌جای پلاسکوی قدیم باید در آرامش و با دقت و بررسی انجام شود.

احمد حکیمی‌پور ▶ عضو شورای شهر تهران

در جلسه آخر شورای شهر درباره موضوع نام‌گذاری و ایجاد یک المان شهری به یاد شهدای آتش‌نشان و جان‌باختگان حادثه پلاسکو بحث‌هایی مطرح شد که قطعا در جلسات بعدی نیز این موضوع در دستور کار قرار خواهد داشت؛ اگرچه به اعتقاد من، این موضوع بعد از پیگیری کامل قضیه در درجه نخست اهمیت قرار خواهد گرفت. شورای شهر به‌عنوان ناظران منتخب مردم بر فعالیت‌های مدیریت شهری، با ایجاد یک کمیته تحقیق‌یاب قصد دارد به‌دور از حاشیه‌های سیاسی و فرار به جلوهای مدیریت شهری، بررسی موضوع مختلف این حادثه و پیگیری تصمیمی‌های صورت‌گرفته را به پیش ببرد و در کنار آن حتما بحث ادای احترام به شهدای آتش‌نشان این واقعه و مردم عزیزمان که در این حادثه جان باختند، مطرح است. در این زمینه هم بحث‌هایی مطرح شده و کمیسیون‌های ذی‌ربط دراین‌باره وارد عمل خواهند شد. عده‌ای معتقدند باید در همان مکان پلاسکو، سمبلی برای ادای احترام به جایگاه شهدای پلاسکو به وجود بیاید و عده‌ای هم درباره نام‌گذاری خیابانی به نام این شهیداسخ گفته‌اند؛ اما درحال‌حاضر آنچه برای ما مهم است، امنیت زندگی شهروندان تهرانی در شهری است که هر روز با حادثه‌ای تازه دست‌وپنجه نرم می‌کند.

جلال ملکی ▶ سخنگوی سازمان آتش‌نشانی

هم‌زمان با حادثه پلاسکو به حدی بحث‌های حاشیه‌ای به راه افتاد که کمتر کسی به این موضوع توجه کرده و خوشحالم که بعد از ۱۰ روز رسانه‌ای با من تماس می‌گیرد و درباره چگونگی ایجاد یادمانی برای شهدای آتش‌نشان از من سؤال می‌پرسد. باید بگویم که در این روزهای غم‌بار فرصت نکرده‌ام به چنین موضوعی فکر کنم و از سوی دیگر در جایگاهی نیستم که مسئولان بابت ساخت این المان شهری، نظری از من خواسته باشند. بااین‌همه چند مسئله از نظر من روشن است که قطعا اعضای شورای شهر که مسئولیتی در این زمینه دارند، آن را پیش‌فرض فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. اولین نکته این است که موضوع نظر ما ساخت بنای یادبود شهدای آتش‌نشان و نصب آن در نقطه‌ای از تهران است که موردنظر مسئولان باشد. قطعا هر کاری که برای این ایثارگران اذدست‌رفته انجام بدهند، ارزش خود را در شهر برای مردم پیدا خواهد کرد و جایگاه خود را خواهد یافت، خصوصاً اگر در قالب عنصری نمادین و شهری باشد. بااین‌همه ممکن است به دلایلی محیط پلاسکو یا فضای اطراف آن محل مناسبی برای نصب این المان نباشد که این موضوع نیز نیازمند کار کارشناسی است و من مطمئنم همان‌طور که اعضای شورای شهر در زمینه نام‌گذاری انتخاب درستی دارند، در زمینه انتخاب محلی برای نصب این المان هم پیشنهادات خوبی مطرح خواهند کرد.

گزارش فردا

جشنواره‌ای برای سلاح‌های خانگی در ارومیه

است این جشنواره به صورت متناوب در استان برگزار شود تا در آن، دارندگان سلاح ششاسلایی شوند، شماره سریال اسلحه‌ها به ثبت برسد و مهتر از همه فضایی برای تیراندازی قانونی اسلحه‌های خانگی به وجود آید: «میداوریم با این جشنواره بتوانیم این احساس نیاز به تیراندازی را در بین دارندگان اسلحه خانگی برآورده کنیم چراکه بعید است کسی برای شگنی و تزیین اسلحه خریده باشد». این مقام مسئول با اشاره به اینکه از بعد امنیتی و هم‌مرزی استان آذربایجان غربی به کشور همسایه، دلائل متعددی برای نگهداری سلاح در خانه‌های همشهریان این استان وجود دارد، گفت: «آموزش تیراندازی، توصیه پیامبر است و ما خوش‌حالم که می‌توانیم در این زمینه آموزش‌های لازم را در فضایی امن به مردم ارائه کنیم تا هم با شکار بی‌رویه به محیط زیست استان آسیبی نرسد و هم در جهت عمل به این حدیث نبوی قدم برداشته باشیم».

قرار است به مناسبت دهه فجر، شهرداری ارومیه با همکاری بسیج و هیئت تیراندازی استان جشنواره «سلاح‌های خانگی» را برگزار کند. یکی از مسئولان هماهنگی این جشنواره به خبرنگار «شرق» می‌گوید: «ما در هیئت تیراندازی استان، براساس برنامه‌هایی که از یک ماه پیش ریخته بودیم، تصمیم گرفتیم برای دارندگان اسلحه‌های خانگی یعنی اسلحه‌های چهارونیم، پنج‌ونیم و بی‌سی‌پی، فراخوان برگزاری جشنواره‌ای را ارائه دهیم تا از پتانسیل موجود استان در این زمینه استفاده بهینه و محیط‌زیستی شود». به گفته این مقام مسئول، این جشنواره که اولین جشنواره در نوع خود است، با تمرکز بر اسلحه‌های شکاری فراوانی برگزار می‌شود که در این استان وجود دارد: «براساس مطالعات ما، بین ۵۰ تا ۶۰ هزار جواز اسلحه شکاری صادر شده که با درنظرگرفتن سلاح‌های بادی، مجموع آنها به صد تا ۱۵۰ هزار قبضه سلاح می‌رسد». قرار